

بررسی عوامل زمینه‌ای - فردی و ارتباطی - دو جانبه‌ای مؤثر بر سازگاری زناشویی

دکتر خدابخش احمدی*، دکتر علی فتحی آشتیانی**، دکتر شکوه نوابی نژاد***

چکیده:

خشنودی، رضایت و خوشبختی زندگی نیاز به تلاش زوجین دارد. سازگاری در روابط زناشویی بر میزان سلامت روانی زوجین، میزان رضایت از زندگی و حتی بر میزان درآمد، موفقیت تحصیلی و رضایت از شغل تأثیر می‌گذارد. از سویی دیگر ناسازگاری در روابط زوجین موجب اختلال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی، افول ارزش‌های فرهنگی در بین زوجین می‌شود. هدف اصلی این پژوهش تعیین عوامل مرتبط و مؤثر بر سازگاری و ناسازگاری زوجین بود. برای این منظور از مدل دو بعدی عوامل زمینه‌ای - فردی و عوامل ارتباطی - دو جانبه‌ای استفاده شد. این پژوهش به روش توصیفی - زمینه‌یابی انجام شد و در آن ۹۰۰ زوج از بین ساکنین مناطق مختلف شهر تهران با استفاده از روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات آزمون رضایت زناشویی انریچ و پرسشنامه عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی بود. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که از بین متغیرها و مؤلفه‌های مورد بررسی آشنایی قبلی زوجین با یکدیگر، روابط صمیمی در دوران نامزدی، روابط صمیمی در بین خانواده‌های زوجین، رابطه صمیمی بین والدین زوجین، تقیدات مذهبی زوجین و وجود مدیریت مشارکتی در خانواده با سازگاری زناشویی زوجین ارتباط دارد. **کلید واژه‌ها:** ازدواج، سازگاری زوجین، روابط زناشویی.

* استادیار دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، مرکز تحقیقات علوم رفتاری، «تهران، خیابان ملاصدرا، بیمارستان بقیه‌الله، پژوهشکده طب رزم مرکز تحقیقات علوم رفتاری»
email:Kh_ahmady@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله (عج)، مرکز تحقیقات علوم رفتاری

*** استاد گروه مشاوره دانشگاه تربیت معلم

مقدمه

ازدواج، یک نهاد اجتماعی است که پایه و اساس ارتباط انسانی را تشکیل می‌دهد و در آن مرد و زن از طریق یک نیروی رمزی ناشی از غرایز، آیین، شعائر و عشق به هم جذب می‌شوند، به‌طور آزادانه و کامل تسلیم (متعهد) یکدیگر شده تا واحد پویایی را به‌عنوان خانواده ایجاد نمایند (لاندریس، ۱۹۷۵). خانواده، تنها نظام اجتماعی است که رسماً در همه جوامع پذیرفته شده است. خانواده محیطی مقدس، باصفا و به زیباترین تعبیر قرآنی محل سکون و آرامش واقعی است (سوره روم، آیه ۲۱).

آنچه در ازدواج مهم است سازگاری زناشویی و رضایت از ازدواج می‌باشد. سازگاری زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع، احساسی ناشی از خوشبختی و رضایت از همدیگر دارند. سازگاری در ازدواج از طریق علاقه متقابل، مراقبت از یکدیگر، پذیرش، درک یکدیگر و ارضای نیازها ایجاد می‌شود (سین‌ها و ماکرجک، ۱۹۹۰). زوجین سازگار، زن و شوهرهایی هستند که توافق زیادی با یکدیگر دارند، از نوع و سطح روابطشان راضی‌اند، از نوع و کیفیت گذران اوقات فراغت رضایت دارند و مدیریت خوبی در زمینه وقت و مسائل مالی خودشان اعمال می‌کنند (گریف، ۲۰۰۰).

برای سازگاری در ازدواج برقراری و تداوم ارتباط اثربخش ضروری است. لازمه ارتباط، یادگیری شریک شدن در افکار، احساسات، بازخوردهای مثبت و ابراز قدردانی می‌باشد (سیلیمن، ۲۰۰۱). داشتن یا نداشتن مهارت‌های ارتباطی بر وضعیت سازگاری زناشویی مؤثر است. وجود ارتباطاتی که فاقد شرایط لازم است، همچنین روابط مبهم، یا روابط مشروط، زمینه‌های ناسازگاری را در بین زوجین تشدید می‌کند. درگیر بودن یا ناتمام گذاشتن روابط قبلی نیز بر وضع سازگاری زناشویی تأثیر دارد (ناکونزی و راجرز، ۱۹۹۵).

سازگاری زناشویی فرآیندی است که در طول زندگی زن و شوهر به‌وجود می‌آید، زیرا لازمه آن انطباق سلیقه‌ها، شناخت صفات شخصیتی، ایجاد قواعد رفتاری و شکل‌گیری الگوهای مرادده‌ای است؛ البته روزهای اول زندگی شایسته توجه جدی است. بنابراین سازگاری زناشویی یک فرآیند تکاملی در بین زن و شوهر است (لاسول و لاسول، ۱۹۸۲). سازگاری زناشویی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. در واقع سنگ زیربنای عملکرد خوب خانواده است و نقش والدینی را تسهیل می‌کند (کامینگ و همکاران، ۱۹۹۷)؛ عمر زن و شوهر را طولانی می‌کند (کومب، ۱۹۹۱)، باعث افزایش سلامتی (دمو، ۱۹۹۶)، توسعه اقتصادی (وایت، ۱۹۹۷) و رضایت بیشتر از زندگی (ناک، ۱۹۹۵) می‌شود. از سویی دیگر وجود ناسازگاری زناشویی در روابط زن و شوهر علاوه بر ایجاد مشکل در موارد فوق، باعث اشکال در روابط اجتماعی، گرایش به انحرافات اجتماعی، اخلاقی و افول ارزش‌های فرهنگی در بین زوجین می‌شود (پوپن، ۱۹۹۶ و نیولون، ۲۰۰۰).

در زمینه چگونگی شکل‌گیری ناسازگاری‌های زناشویی باید گفت که: زن و شوهر برای رفع برخی از نیازها و انتظارات‌شان با هم ازدواج می‌کنند. هر یک از زوجین تلاش می‌کنند تا روابط خود را با یکدیگر افزایش دهند، به‌گونه‌ای که با حداقل تلاش‌ها بتوانند به حداکثر فواید ازدواج دست پیدا کنند. حال اگر فواید حاصل از ازدواج آن‌ها، مطابق انتظارات‌شان نباشد و یا میزان تلاش و زحمت آن‌ها بیشتر از فواید ازدواج‌شان باشد، تعارض و اختلاف به‌وجود می‌آید. در مراحل اولیه ارتباط (دوره نامزدی، عقد و اوایل ازدواج) تعارضات بین زن و شوهر ممکن است بیشتر از طریق سکوت (عدم ابراز مخالفت) یا کناره‌گیری از موضوع نشان داده شود. چگونگی گذر از این مرحله مهم است. اگر زوجین به‌طور مناسب مهارت‌های ارتباط و حل تعارض را کسب نکنند، تعارضات به‌طور کلامی و سپس به‌صورت رفتاری تداوم می‌یابد و تخریب تدریجی در سازگاری زوجین آغاز می‌شود (داگلاس و همکاران، ۱۹۹۵). در زمان‌های گذشته وقتی دو نفر با هم ازدواج می‌کردند، تا آخر عمر با یکدیگر زندگی می‌کردند. آن‌ها در هر صورت تلاش می‌کردند تا تعارضات فی‌مابین را حل کنند و یا با وضع موجود بسازند. در حال حاضر نیز در بعضی جوامعی که ارزش‌های سنتی مورد قبول است هنوز این وضع وجود دارد. پژوهش نشان داده است که در مناطقی که ارزش‌های مذهبی حاکم است بیشتر ازدواج‌ها، ازدواج‌هایی است که شروع آنها عاشقانه نبوده، در حالی که حدود ۹۵٪ این ازدواج‌ها بسیار موفق بوده و در مجموع میزان طلاق بین آن‌ها تنها ۸٪ است. این در حالی است که در جوامع به اصطلاح مدرن میزان طلاق حداقل ۵۰٪ می‌باشد (جین، ۱۹۹۶).

در جوامع امروزی روابط قبل از ازدواج آزادترند، پس از ازدواج نیز زوجین به سهولت مسیر طلاق را طی می‌کنند و کمتر به فکر چاره‌اندیشی و حل تعارضات برمی‌آیند. گرایشات فمینیستی و گسترش آن، میزان همبستگی، وابستگی و دلبستگی بین زن و شوهرها را کاهش داده است (ناکونزی و راجرز، ۱۹۹۵). همچنین نباید از نقش تهاجم فرهنگی در افزایش ناسازگاری‌ها غافل شد. تهاجم فرهنگی غرب خانواده را هدف قرار داده است و نتیجه آن افزایش ناسازگاری زناشویی و کوتاهی عمر ازدواج‌ها است (لاپوز، ۱۹۸۶).

در پژوهش‌های مختلف تلاش‌هایی در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر سازگاری و ناسازگاری زوجین صورت گرفته است (فوورس و السن، ۱۹۸۶؛ هلمن و همکاران، ۱۹۹۵؛ برادباری و فینچام، ۲۰۰۰). بر این اساس عوامل گوناگونی به‌عنوان عوامل مؤثر بر سازگاری زناشویی شناسایی شده‌اند که از بین آن‌ها می‌توان به این عوامل اشاره نمود: عوامل زمینه‌ای - فردی از قبیل: خانواده اصلی (وضعیت ازدواج والدین، وضعیت بهداشت روانی والدین، وضع کارکرد خانواده پدری)؛ عوامل اجتماعی - فرهنگی (میزان حمایت والدین، سن ازدواج، آموزش و تحصیلات، درآمد و شغل، طبقه و گروه اجتماعی، نوع جامعه)؛ وضعیت فعلی زندگی (حمایت دوستان، فشارهای درونی و بیرونی)؛

ویژگی‌های فردی (سلامت عاطفی، ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های بین فردی، انطباق با آداب و رسوم، سلامت جسمانی).

عوامل ارتباطی- دوجانبه‌ای از قبیل: همگنی (همسانی در مذهب، همسانی در نژاد، همسانی در وضعیت اجتماعی- اقتصادی، همسانی در سن، همسانی در هوش، همسانی در تحصیلات، همسانی در ویژگی‌های کلی شخصیتی)؛ فرآیندهای بین فردی (درجه و میزان شناخت همدیگر، مدت نامزدی و ازدواج، روابط قبل از ازدواج، حاملگی و تولد کودک، مهارت‌های ارتباطی).

در پژوهش حاضر تلاش شده است تا عوامل زمینه‌ای - فردی و عوامل ارتباطی - دوجانبه‌ای به‌طور هم‌زمان بر روی یک گروه نسبتاً وسیعی از شهروندان تهرانی مورد مطالعه قرار گیرد تا عوامل مؤثر بر سازگاری و ناسازگاری زوجین شناسایی شود. شناسایی این عوامل کمک خواهد کرد تا از ازدواج‌هایی که ممکن است به ناسازگاری منجر شود جلوگیری به‌عمل آید و راه‌های افزایش سازگاری زوجین کشف شود.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش، کلیه زوجین ساکن شهر تهران بودند. نمونه‌های پژوهشی از مناطق پنج‌گانه شهر (شمال، جنوب، شرق، غرب و منطقه مرکزی) انتخاب شدند. از این جامعه آماری، ۱۰۰۰ زوج با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. در انتخاب نمونه آن دسته از زوج‌هایی که حداقل یکی از آن‌ها دچار بیماری مزمن جسمانی یا اختلالات روان‌شناختی طبق گزارش شخصی بود، یا آن‌هایی که بیش از ۳ ماه به علت تعارض شدید، جدا از هم زندگی می‌کردند انتخاب نشدند. در مجموع تعداد ۱۰۰ مورد پرسشنامه از زوجین به‌دلیل مخدوش بودن حذف و تعداد ۹۰۰ زوج مورد بررسی قرار گرفتند.

ابزارهای پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات از آزمون رضایت زناشویی انریچ^۱ به همراه پرسشنامه عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی استفاده شد. آزمون رضایت زناشویی انریچ ابتدا برای توصیف پویایی‌های ازدواج ایجاد شد. اما اندک زمانی نگذشت که به‌عنوان یک ابزار تشخیص برای زوجین متأهلی که به‌دنبال مشاوره ازدواج و غنی‌سازی آن بودند به‌کارگرفته شد (السن و السن، ۱۹۹۷). نسخه اصلی آزمون دارای ۱۱۵ سؤال، شامل ابعاد و موضوعات شخصیتی، ارتباطات، حل تعارض، مسائل مالی، اوقات فراغت، روابط جنسی، تربیت فرزند، ارتباط با خانواده اصلی و دوستان، نقش‌های همسری و جهت‌گیری مذهبی و معنوی بود. با توجه به طولانی بودن سؤالات مقیاس، فرم‌های متعددی از آن

استخراج شد. اولین بار السون فرم ۱۵ سؤالی آن را معرفی نمود، سپس فرم ۴۷ سؤالی آن ساخته شد (فوورس و السن، ۱۹۸۹) و سرانجام فرم ۲۵ سؤالی آن ایجاد شد (وادسبای، ۱۹۹۸). السون و همکاران اعتبار فرم اخیر را با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/۹۲$ گزارش کرده‌اند (السن و السن، ۱۹۹۷). در یک کار پژوهشی میزان توانایی تمیز این مقیاس ۸۵ تا ۹۵% دقت نشان داده است (فوورس و السن، ۱۹۸۹). همچنین در پژوهشی دیگر میزان اعتبار آزمون با روش آزمون و آزمون مجدد بین $0/۶۵$ تا $0/۹۴$ ، میزان همسانی درونی براساس آلفای کرونباخ $0/۶۹$ تا $0/۹۷$ و میزان توانایی تمیز و طبقه‌بندی $۹۰/۹\%$ بدست آمده است. در بررسی روایی، مقیاس انریچ با مقیاس جو خانواده^۱ (FCS) و مقیاس سازگاری زوجین (DAS)^۲ مقایسه شده و روایی این مقیاس را تأیید کرده است. در بررسی‌های انجام شده ملاحظه شد که در کل، نتایج حاصله بین گروه‌های جنسی (مرد و زن) تفاوت معنی‌داری نداشت ولی در مقایسه با سه گروه زوجین حامله، معمولی و در حال مشاوره بین دو گروه مردان و زنان در ابعاد ارتباط، روابط جنسی و تربیت کودکان تفاوت دیده شد (وادسبای، ۱۹۹۸).

در کشور ما فرم کوتاه آزمون با ۴۷ ماده مورد هنجاریابی قرار گرفت، همبستگی درونی آن برای فرم کوتاه $0/۹۵$ محاسبه و گزارش شد (سلیمانیان و نوابی‌نژاد، ۱۳۷۳). در پژوهشی دیگر اعتبار آزمون انریچ با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و با روش بازآزمایی (به‌فاصله یک هفته) برای مردان $0/۹۳۷$ و برای زنان $0/۹۴۴$ و برای مردان و زنان $0/۹۴$ بدست آمده است (مه‌دیوان، ۱۳۷۶). این ضرایب برای خرده مقیاس‌های مسائل شخصیتی، ارتباط دوتایی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندپروری، خانواده و دوستان، و جهت‌گیری مذهبی گروه زنان و مردان به‌ترتیب عبارت بودند از: $0/۷۶$ ، $0/۷۶$ ، $0/۷۶$ ، $0/۸۱$ ، $0/۶۳$ ، $0/۶۹$ ، $0/۸۷$ ، $0/۶۹$ ، $0/۷۳$ و ضریب آلفای ۴۷ سؤالی پرسشنامه $0/۹۲$ به‌دست آمده است. همچنین ضریب همبستگی پرسشنامه انریچ با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از $0/۴۱$ تا $0/۶۰$ و با مقیاس‌های رضایت زندگی از $0/۳۲$ تا $0/۴۱$ می‌باشد. کلیه خرده مقیاس‌های پرسشنامه انریچ زوج‌های ناسازگار و سازگار را متمایز می‌کنند و این نشان می‌دهد که این پرسشنامه از روایی ملاک برخوردار است (عامری، ۱۳۸۱).

دومین ابزار مورد استفاده، پرسشنامه عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی بود. این پرسشنامه با الهام از طبقه‌بندی برادباری و فینچام (۲۰۰۰) ساخته شد. این پرسشنامه در ابعاد عوامل زمینه‌ای - فردی و ارتباطی - دوجانبه‌ای براساس عوامل مؤثر در سازگاری و ناسازگاری زوجین (مذکور در قسمت مقدمه) ساخته شد و دارای ۲۴ عامل بود.

لازم به ذکر است که داده‌های تحقیق با استفاده از شاخص‌های آماری محاسبه فراوانی، درصد، میانگین، انحراف استاندارد و آزمون t گروه‌های مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه و آزمون پسین شفه مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها

بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی جامعه مورد بررسی نشان داد که از ۹۰۰ زوج (۹۰۰ نفر مرد و ۹۰۰ نفر زن و در مجموع ۱۸۰۰ نفر نمونه) مورد پژوهش، ۵۰٪ مرد و ۵۰٪ زن بودند. میانگین سنی مردان $۳۷/۸ \pm ۵/۴$ و میانگین سن زنان $۳۳/۸ \pm ۵/۶$ بود. از نظر وضع تحصیلات حدود ۶۲٪ مردان دارای تحصیلات فوق دیپلم و بالاتر، ۱۵٪ دیپلم، ۷٪ زیردیپلم و ۲٪ با تحصیلات علوم حوزوی بودند. حدود ۱۳٪ وضع تحصیلات خود را مشخص نکرده بودند. از سوی دیگر حدود ۳۷٪ زنان مورد بررسی دارای تحصیلات زیردیپلم، ۳۶٪ دیپلم، ۱۹٪ فوق دیپلم و بالاتر، ۲٪ دارای تحصیلات علوم حوزوی بودند. حدود ۵/۵٪ وضع تحصیلات خود را مشخص نکرده بودند. از نظر وضعیت شغلی زنان، حدود ۷۸٪ آن‌ها خانه‌دار و ۲۰٪ شاغل بودند. همچنین حدود ۲٪ وضعیت شغلی خود را اظهار نکرده بودند. سابقه ازدواج در جامعه مورد بررسی $۶/۰۵ \pm ۱۰/۹۵$ سال، طول مدت دوره نامزدی $۰/۴۹ \pm ۱/۴$ سال، تفاوت سنی بین زوجین $۳ \pm ۴/۲۶$ سال و مدت آشنایی قبل از ازدواج $۶/۸۹ \pm ۸/۷۸$ سال بود. تعداد ۳۳ نفر از مردان ($۳/۷٪$) و ۱۹ نفر از زنان ($۲/۱٪$) دارای سابقه قبلی ازدواج بودند. تعداد ۳۷۱ زوج ($۴۱/۳٪$) آشنایی قبلی (قبل از نامزدی) با هم داشتند.

جدول ۱: مقایسه وضعیت سازگاری زناشویی در بین زنان و مردان

متغیر	گروه‌ها	میانگین نمره	انحراف استاندارد	t ارزش	سطح معناداری
سازگاری کلی	مرد	۱۸۵/۹	۲۷/۹۲	۴/۷۸	۰/۰۰۱**
	زن	۱۷۹/۱	۳۱/۸۸		
موضوعات شخصیتی	مرد	۲۴/۳	۴/۷۴	۴/۶۸	۰/۰۰۱**
	زن	۲۳/۱	۵/۴۰		
ارتباط دوتایی	مرد	۳۵/۹	۶/۴۳	۶/۸۳	۰/۰۰۱**
	زن	۳۳/۷	۷/۴۶		
حل تعارض	مرد	۱۸/۷۴	۴/۰۳	۳/۹۵	۰/۰۰۱**
	زن	۱۷/۹۲	۴/۶۱		
مدیریت مالی	مرد	۱۵/۸	۳/۳۱	۴/۴۴	۰/۰۰۱**
	زن	۱۵/۱	۳/۸۱		
فعالیت‌های اوقات فراغت	مرد	۱۹/۶	۳/۳۶	۰/۹۵	۰/۳۴۰
	زن	۱۹/۴	۳/۶۵		
روابط جنسی	مرد	۱۸/۸۱	۳/۳۵	۲/۱۵	۰/۰۳۲*
	زن	۱۸/۴۵	۳/۶۳		
والدینی	مرد	۱۹/۶۴	۳/۸۵	۳/۹۶	۰/۰۰۱**
	زن	۱۸/۸۸	۴/۱۳		
ارتباط با اقوام و دوستان	مرد	۱۵/۸۰	۲/۸۱	۲/۱۳	۰/۰۳۴*
	زن	۱۵/۵۰	۳/۰۴		
جهت‌گیری مذهبی	مرد	۱۷/۳۶	۲/۸۰	۲/۰۷	۰/۰۲۸*
	زن	۱۷/۰۶	۳/۰۶		

* $P \leq ۰/۰۵$ ** $P \leq ۰/۰۱$

مقایسه وضعیت سازگاری زناشویی در بین زنان و مردان که با استفاده از آزمون آماری t گروه‌های مستقل صورت گرفت نشان داد که: به جز در زمینه فعالیت‌های اوقات فراغت در سایر ابعاد از قبیل سازگاری کلی، موضوعات شخصیتی، ارتباط دوتایی، حل تعارض، مدیریت مالی، روابط جنسی، والدینی (تربیت فرزند)، ارتباط با اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی بین زنان و مردان (شوهران) تفاوت معنی‌داری (بین $P \leq 0/05$ تا $P \leq 0/01$) وجود دارد. و میزان رضایت زناشویی در بین زنان پایین‌تر از مردان است (جدول ۱).

جدول ۲: مقایسه میزان سازگاری زناشویی بر حسب وضعیت سابقه ازدواج

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	ارزش t	سطح معنی‌داری
سازگاری کلی زناشویی	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۱۷۵/۹۲ ۱۸۳/۲۴	۳۵/۹۱ ۳۰/۰۴	-۱/۶۷	-۰/۰۹۵
موضوعات شخصیتی	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۳/۹۱ ۳/۹۷	۰/۹۴ ۰/۸۵	-۰/۴۲	-۰/۰۶۸
ارتباط دوتایی	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۳/۶۸ ۳/۸۹	۰/۹۱ ۰/۷۸	-۱/۸۱	-۰/۰۷
حل تعارض	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۳/۴۳ ۳/۶۸	۱/۰۸ ۰/۸۸	-۱/۹۹	-۰/۰۴*
مدیریت مالی	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۳/۶۳ ۳/۸۷	۱/۰۲ ۰/۹۰	-۱/۸۴	-۰/۰۶
اوقات فراغت	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۳/۸۸ ۳/۹۱	۰/۷۷ ۰/۷۰	-۰/۳۳	-۰/۱۰
مسائل جنسی	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۳/۷۱ ۳/۷۴	۰/۸۴ ۰/۷۰	-۰/۳۲	-۰/۱۰
تربیت فرزند	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۳/۶۴ ۳/۸۷	۱/۰۴ ۰/۷۹	-۱/۹۸	-۰/۰۴*
ارتباط با اقوام	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۳/۷۰ ۳/۹۲	۰/۹۱ ۰/۷۳	-۲/۱۱	-۰/۰۳*
مسائل مذهبی	سابقه قبلی ازدواج فاقد سابقه	۴/۱۸ ۴/۳۲	۰/۷۶ ۰/۷۴	-۱/۳۲	-۰/۱۹

*. $P \leq 0/05$

بررسی و مقایسه سازگاری زناشویی در بین افراد واجد و فاقد سابقه ازدواج قبلی که با استفاده از آزمون آماری t انجام شد نشان داد، میزان سازگاری زناشویی در بین افرادی که سابقه قبلی ازدواج

داشتند و ازدواج فعلی آن‌ها، ازدواج دوم‌شان محسوب می‌شد، در ابعاد حل تعارض، تربیت فرزند و ارتباط با اقوام به‌طور معنی‌داری ($P \leq 0.05$) پایین‌تر از کسانی است که سابقه ازدواج نداشتند (جدول ۲). همچنین بررسی‌ها نشان داد کسانی که به‌دنبال طلاق، ازدواج مجدد داشته‌اند، سازگاری زناشویی آن‌ها در ابعاد سازگاری کلی، موضوعات شخصیتی، ارتباط دوتایی، گذران اوقات فراغت و مسائل مذهبی کمتر از کسانی است که به‌دنبال مرگ همسر ازدواج کرده‌اند.

جدول ۳: مقایسه میزان سازگاری زناشویی برحسب میزان آشنایی قبلی با همسر

متغیر	گروه‌ها	میانگین	انحراف استاندارد	درجه آزادی	ارزش t	سطح معناداری
سازگاری کلی زناشویی	عدم آشنایی قبلی	۱۸۱/۰۴	۳۰/۹۹	۱۶۵۳	-۲/۵۸	۰/۰۱**
	آشنایی قبلی	۱۸۴/۹۵	۲۹/۳۲			
موضوعات شخصیتی	عدم آشنایی قبلی	۳/۹۱	۰/۸۹	۱۶۵۳	-۲/۵۹	۰/۰۱**
	آشنایی قبلی	۴/۰۲	۰/۸۱			
ارتباط دوتایی	عدم آشنایی قبلی	۳/۸۳	۰/۷۹	۱۶۵۳	-۲/۷۲	۰/۰۰۷**
	آشنایی قبلی	۳/۹۳	۰/۷۸			
حل تعارض	عدم آشنایی قبلی	۳/۶۲	۰/۹۰	۱۶۵۳	-۲/۰۳	۰/۰۴*
	آشنایی قبلی	۳/۷۱	۰/۸۳			
مدیریت مالی	عدم آشنایی قبلی	۳/۸۲	۰/۹۲	۱۶۵۳	-۲/۱۰	۰/۰۴*
	آشنایی قبلی	۳/۹۱	۰/۸۷			
اوقات فراغت	عدم آشنایی قبلی	۳/۸۷	۰/۷۳	۱۶۵۳	-۱/۶۱	-۰/۱۰
	آشنایی قبلی	۳/۹۴	۰/۶۸			
مسائل جنسی	عدم آشنایی قبلی	۳/۷۲	۰/۷۲	۱۶۵۳	-۱/۸۶	-۰/۳۹
	آشنایی قبلی	۳/۷۵	۰/۶۸			
تربیت فرزند	عدم آشنایی قبلی	۳/۸۳	۰/۸۱	۱۶۵۳	-۱/۲۷	-۰/۲۰
	آشنایی قبلی	۳/۸۸	۰/۸۱			
ارتباط با اقوام	عدم آشنایی قبلی	۳/۸۷	۰/۷۴	۱۶۵۳	-۳/۲۱	۰/۰۰۱**
	آشنایی قبلی	۳/۹۸	۰/۷۲			
مسائل مذهبی	عدم آشنایی قبلی	۴/۲۸	۰/۷۴	۱۶۵۳	-۲	۰/۰۴*
	آشنایی قبلی	۴/۳۵	۰/۷۳			

*. $P \leq 0.05$

**. $P \leq 0.01$

بررسی و مقایسه میزان سازگاری زناشویی در بین دو گروه از زوجین دارای آشنایی قبلی با همسر و فاقد آشنایی قبلی با همسر نشان داد که، میزان سازگاری زناشویی در بین زوجینی که آشنایی قبلی با یکدیگر داشتند بیشتر است. این میزان در سازگاری کلی، موضوعات شخصیتی،

ارتباط دوتایی، ارتباط با اقوام در سطح $P \leq 0/01$ و در ابعاد حل تعارض، مدیریت مالی و مسائل مذهبی در سطح $P \leq 0/05$ می‌باشد. همچنین ملاحظه شد که در ابعاد اوقات فراغت، مسائل جنسی و تربیت فرزند تفاوتی بین دو گروه وجود ندارد (جدول ۳).

همچنین میزان سازگاری زناشویی در بین سطوح مختلف متغیرهای مورد بررسی در پژوهش، مورد مقایسه قرار گرفت. نتایج حاصل نشان داد که: میزان سازگاری کلی زناشویی در بین زوجینی که در آن زن خانه‌دار است و زوجینی که در آن زن در خارج از منزل اشتغال دارد تفاوت معنی‌داری (در سطح $P \leq 0/05$) وجود ندارد. این عدم تفاوت در تمامی ابعاد سازگاری زوجین وجود داشت.

چگونگی رابطه زوجین در دوره نامزدی (عقد) در میزان سازگاری زوجین (در سطح $P \leq 0/01$) تأثیر دارد. نتایج آزمون تحلیل واریانس نشان داد که، میزان سازگاری زوجینی که در دوره نامزدی (عقد) رابطه‌ای دوستانه و صمیمی داشتند بیشتر از زوجینی بود که رابطه‌شان در آن دوره رسمی و خشک و یا همراه با اختلاف و درگیری بود. به همین ترتیب زوجینی که در دوره نامزدی (عقد) رابطه‌ای رسمی داشتند میزان سازگاری فعلی‌شان با همسر بیشتر از زوجینی بود که در آن دوره رابطه‌ای همراه با اختلاف و درگیری داشتند.

نوع رابطه بین خانواده‌های زوجین در میزان سازگاری زوجین تأثیر دارد. میزان تأثیری که براساس آزمون آماری تحلیل واریانس صورت گرفت نشان داد: آن دسته از زوجینی که خانواده‌هایشان با یکدیگر رابطه دوستانه و صمیمی دارند به‌طور معنی‌داری ($P \leq 0/01$) میزان سازگاری زناشویی‌شان بیشتر از زوجینی است که خانواده‌های آن‌ها رابطه‌ای خشک، رسمی و همراه با اختلاف دارند و یا اصلاً رابطه‌ای با یکدیگر ندارند.

در بررسی نقش کیفیت رابطه بین پدر و مادر زوجین در سازگاری زناشویی آن‌ها ملاحظه شد که، این عامل در میزان سازگاری زوجین تأثیر دارد ($P \leq 0/01$). بررسی‌هایی که براساس آزمون پسین شفه صورت گرفت نشان داد، افرادی که رابطه بین پدر و مادرشان دوستانه و صمیمی است نسبت به آن‌هایی که رابطه بین پدر و مادرشان عادی، رسمی و یا همراه با اختلاف است دارای سازگاری زناشویی بالایی هستند. در بررسی متغیر نحوه آشنایی با همسر و ارتباط آن با سازگاری زناشویی ملاحظه شد که این عامل در میزان سازگاری زوجین (در سطح $P \leq 0/05$) تأثیر نداشت. در بررسی میزان گرایش‌های مذهبی و نقش آن در میزان سازگاری زوجین ملاحظه شد که این عامل در میزان سازگاری زوجین مؤثر است. در این زمینه آزمون پسین شفه نشان داد که بین تمامی سطوح این متغیر (خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد) تفاوت معنی‌داری (در سطح $P \leq 0/01$) وجود دارد و مقایسه یک به یک میانگین‌ها، وجود تفاوت را در بین تمامی موارد نشان داد. بر این اساس ملاحظه شد که افراد، به میزانی که تقیدات مذهبی دارند میزان سازگاری زناشویی بالایی نیز دارند.

نتایج حاصل از بررسی تأثیر نحوه تصمیم‌گیری برای ازدواج بر میزان سازگاری زوجین نشان داد که، نحوه تصمیم‌گیری برای ازدواج در میزان سازگاری زناشویی اثربخش است (در سطح $P \leq 0/01$). ادامه بررسی با استفاده از آزمون پسین شفه نشان داد: افرادی که تصمیم‌گیری برای ازدواج‌شان را عاقلانه می‌دانند نسبت به افرادی که تصمیم‌گیری برای ازدواج خود را از روی احساس یا اجبار تلقی می‌کنند، میزان سازگاری زناشویی بالایی دارند. در بررسی نقش ملاک اصلی انتخاب همسر در میزان سازگاری زوجین ملاحظه شد که این عامل بر میزان سازگاری زوجین مؤثر است (در سطح $P \leq 0/01$). در مقایسه یک به یک سطوح متغیر ملاحظه شد بالاترین میزان سازگاری در زوجینی است که همدیگر را به دلیل ایمان و اخلاق نیکو انتخاب کرده‌اند. همچنین افرادی که ملاک اصلی انتخاب‌شان ویژگی‌های شخصیتی و وضع خانوادگی همسر بود، نسبت به افرادی که ملاک‌های وضع مالی، تحصیلی، اجتماعی، شغل همسر، ظاهر و قیافه را برای انتخاب همسر داشتند به‌طور معناداری (در سطح $P \leq 0/01$) دارای سازگاری زناشویی بیشتری بودند.

در بخش دیگر از نتایج، تأثیر نوع مدیریت خانواده بر میزان سازگاری زوجین مورد بررسی قرار گرفت. ملاحظه شد که بالاترین میزان سازگاری در بین زوجینی است که مدیریت مشارکتی در خانواده اعمال کرده‌اند. در رتبه دوم زوجینی قرار داشتند که مدیریت خانواده مردسالار بود و بالاخره پایین‌ترین میزان سازگاری از آن زوجینی بود که مدیریت خانواده زن سالاری بود. بین هر سه گروه براساس آزمون پسین شفه تفاوت معناداری (در سطح $P \leq 0/01$) وجود داشت. بررسی‌ها نشان داد که شیوه مواجهه و برخورد با مشکلاتی که در بین زوجین پیش می‌آید بر میزان سازگاری زوجین تأثیر دارد. بین چهار گروه از زوجین که براساس چهار روش مختلف با مشکلات پیش آمده مواجهه شدند تفاوت معناداری (در سطح $P \leq 0/01$) وجود داشت. بررسی‌های بیشتر برای مقایسه یک به یک بین گروه‌ها براساس آزمون پسین شفه نشان داد که بین تمامی گروه‌ها تفاوت معناداری وجود دارد. بر این اساس نتیجه گرفته شد که بالاترین میزان سازگاری زناشویی در بین زوجینی است که مشکلات خود را خودشان حل می‌کنند، پس از آن زوجین قرار دارند که برای حل مشکل خود از متخصصان مشاوره و روان‌شناسی کمک می‌گیرند. بر این اساس زوجینی که با کمک اقوام به دنبال حل مشکل هستند و یا مشکل‌شان حل نشده باقی می‌ماند به‌ترتیب دارای پایین‌ترین میزان سازگاری هستند. بالاخره آخرین عامل مورد بررسی در این بخش، تأثیر میزان تحصیلات بر میزان سازگاری زناشویی بود؛ بررسی‌های به‌عمل آمده براساس آزمون تحلیل واریانس تفاوت معناداری را (در سطح $P \leq 0/05$) نشان نداد. بر این اساس نتیجه گرفته می‌شود که میزان سازگاری زناشویی، متأثر از میزان تحصیلات زوجین نیست (جدول ۴).

جدول ۴: مقایسه وضعیت سازگاری زناشویی براساس متغیرهای پژوهشی

ردیف	متغیر	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میزان f/t	سطح معناداری	جایگاه تفاوت برحسب آزمون شفه
۱	وضع شغلی زن	۱- شاغل ۲- خانه‌دار	۱۷۹ ۷۰۶	۱۸۰/۱ ۱۷۹/۶	۳۱/۴ ۳۲/۰۴	۰/۱۵۴	۰/۸۵	در هیچ کدام از ابعاد تفاوت معنی‌دار نبود
۲	نوع رابطه در دوره نامزدی (عقد)	۱- دوستانه و صمیمی ۲- رسمی و خشک ۳- همراه با اختلاف و درگیری	۵۹۲ ۱۶۶ ۴۴	۱۸۹/۷ ۱۷۴/۵ ۱۵۹/۸	۲۶/۱ ۲۸/۱ ۳۳/۱	۲۶/۸۸	۰/۰۰۱**	بین یک به یک گروه‌ها تفاوت معنی‌دار وجود دارد. ۱۲۲۳
۳	نوع رابطه بین خانواده‌های زوجین	۱- دوستانه و صمیمی ۲- رسمی و خشک ۳- همراه با اختلاف و درگیری ۴- فاقد رابطه	۶۰۲ ۱۳۶ ۴۳ ۹۸	۱۹۲/۱ ۱۷۵/۷ ۱۶۷/۴ ۱۷۲/۸	۲۵/۱ ۲۸/۱ ۳۵/۷ ۳۰	۲۹/۱۶	۰/۰۰۱**	۱، ۲ و ۳ و ۴
۴	چگونگی رابطه بین پدر و مادر	۱- دوستانه و صمیمی ۲- عادی ۳- رسمی و خشک ۴- همراه با اختلاف	۷۷۷ ۷۷۴ ۳۹ ۱۰۵	۱۹۴/۱ ۱۸۰/۸ ۱۶۷/۵ ۱۷۲/۷	۲۵/۷ ۲۷/۴ ۳۷/۱ ۲۸/۱	۱۷/۳۶	۰/۰۰۱**	۱ و ۲ و ۳ و ۴
۵	نحوه آشنایی با همسر	۱- خود به تنهایی ۲- توسط خانواده و اقوام ۳- توسط دوستان	۲۱۷ ۹۸۴ ۳۶۵	۱۸۵/۲ ۱۸۵/۹ ۱۸۵	۲۷/۴ ۲۷/۵ ۲۹/۴	۰/۰۸	۰/۹۲	-
۶	میزان مذهبی بودن زوج	۱- خیلی کم ۲- کم ۳- متوسط ۴- زیاد ۵- خیلی زیاد	۱۹ ۳۹ ۷۰۸ ۷۱۷ ۲۵۱	۱۶۳/۳ ۱۶۳/۳ ۱۸۰/۴ ۱۹۱/۴ ۱۹۷/۷	۳۲/۸ ۲۶/۴ ۲۷/۱ ۲۶/۷ ۲۸/۷	۱۴/۶	۰/۰۰۱**	۵۱۶۳۲۲۱
۷	چگونگی تصمیم‌گیری برای ازدواج	۱- عاقلانه ۲- احساسی ۳- اجباری	۱۴۴۴ ۱۲۷ ۵۳	۱۹۰/۸ ۱۵۸/۷ ۱۵۱/۱	۲۴/۸ ۲۹/۴ ۳۶/۵	۵۰/۲۸	۰/۰۰۱**	۱ و ۲ و ۳

ادامه جدول ۴:

۸	دلیل اصلی ازدواج	۱- ایمان همسر	۹۶۰	۱۹۳/۱	۲۵/۳	۱۴/۳۱	۰/۰۰۱**	۸ و ۷ و ۶ و ۳ و ۹ و ۵ و ۲	
		۲- وضع مالی همسر	۱۳	۱۳۴	۱۲/۷				
		۳- وضع تحصیلی همسر	۲۸	۲۹۴	۳۶/۹				
		۴- اخلاق و رفتار	۹۲	۳۲	۲۴/۹				
		۵- وضع خانوادگی همسر	۶۳	۳۷	۲۵/۳				
		۶- وضع اجتماعی همسر	۱۳۱	۱۶۱	۲۸/۳				
		۷- شغل همسر		۱۵۲	۵۳/۹				
		۸- ظاهر و قیافه همسر		۱۸۳	۳۲				
		۹- ویژگی‌های شخصیتی همسر			۲۶/۴				
۹	نوع مدیریت خانواده	۱- زن سالاری	۱۸	۱۴۵/۵	۳۴/۴	۴۵/۵۵	۰/۰۰۱**	۳ و ۲ و ۱	
		۲- مرد سالاری	۶۷	۱۶۶/۱	۲۹/۷				
		۳- مشارکتی	۷۵۸	۱۸۹/۴	۲۵/۸				
۱۰	شیوه حل مشکلات زناشویی	۱- با کمک خودمان	۶۹۱	۱۹۱/۸	۲۳/۴	۵۰/۰۱	۰/۰۰۱**	۴ و ۳ و ۲ و ۱	
		۲- با کمک اقوام	۵۴	۱۳۵/۳	۲۳/۶				
		۳- با کمک متخصصین	۱۵	۱۵۶/۴	۱۹/۷				
		۴- حل نمی‌شود	۴۳	۱۳۲/۲	۱۸/۲				
۱۱	میزان تحصیلات	۱- ابتدایی	۹۷	۱۸۴/۷	۳۰/۶	۰/۶۹	-	۰/۷۱	
		۲- راهنمایی	۲۲۰	۱۷۶/۲	۳۳/۵				
		۳- دبیرستان	۸۳	۱۷۸/۱	۳۶/۱				
		۴- دیپلم	۴۶۴	۱۷۸/۶	۳۱/۳				
		۵- فوق دیپلم	۲۱۳	۱۸۲/۱	۳۳/۱				
		۶- لیسانس	۳۲۴	۱۷۹	۳۱/۶				
		۷- فوق لیسانس	۲۰۰	۱۷۵/۸	۳۴/۳				
		۸- حوزوی	۳۵	۱۸۵/۳	۲۴/۲				

** P ≤ ۰/۰۱

توضیح: فراوانی ردیف‌های ۲، ۳، ۹ و ۱۰ برحسب تعداد زوجین و فراوانی ردیف‌های ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۱ برحسب تعداد افراد محاسبه شده است. همچنین آزمون همگنی واریانس‌ها برای تمامی مقایسه‌ها انجام شد و نتایج تفاوت معنی‌داری (در سطح $P \leq ۰/۰۱$) نشان نداد.

همچنین بررسی روابط همبستگی بین نمره کل سازگاری زناشویی با مقیاس‌های فرعی آن نشان داد که از بین عوامل نه‌گانه تشکیل‌دهنده سازگاری زناشویی به ترتیب ارتباط دوتایی با ۰/۹۲، موضوعات شخصیتی زوجین با ۰/۸۹، روش‌های حل تعارضات زناشویی با ۰/۸۶، نحوه گذران

اوقات فراغت با ۰/۸۰، انجام وظایف والدینی با ۰/۷۶، ارتباط با اقوام و دوستان با ۰/۷۵، مدیریت مالی با ۰/۷۴ جهت‌گیری مذهبی با ۰/۷۰ و روابط جنسی با ۰/۶۶ در سطح $P \leq 0/01$ با سازگاری زناشویی ارتباط معنی‌داری دارند.

در بررسی سایر متغیرهای پژوهشی و سازگاری زناشویی ملاحظه شد که از بین عوامل: سن، سن همسر در زمان ازدواج، تعداد فرزندان، طول مدت ازدواج، تفاوت سنی، تفاوت تحصیلی و تفاوت سطح اقتصادی، تنها متغیرهای تفاوت سنی با ۰/۰۷ و سن همسر در زمان ازدواج با ۰/۰۷ - با سازگاری زناشویی رابطه معنی‌داری (در سطح $P \leq 0/01$) داشتند.

بحث

نتایج تحقیق نشان داد که میزان نارضایتی از زندگی زناشویی در بین زنان بیشتر از مردان است و به تبع آن میزان عدم‌تفاهم و شکایت از همسر از سوی زنان بیشتر اظهار شده است. هرچند زوجین تقریباً با موضوعات مشابهی در روابطشان مواجه می‌شوند ولی این‌که هر یک چگونه به تعارضات واکنش نشان داده و یا درصدد حل آن برمی‌آیند متفاوت است. علی‌رغم تمایلی که برای هماهنگی و توافق بین زوجین وجود دارد، تحقیقات نشان داده است که تفاوت‌های جنسی در ثبات ازدواج نقش اساسی بازی می‌کنند. براین اساس ملاحظه شد که زنان بیشتر از شوهران‌شان روابط بین فردی را دوست دارند (لوینسون و همکاران، ۱۹۹۳)، پس این احتمال وجود دارد که زنان از تعارضات حل نشده و ناسازگاری‌های زناشویی بیشتر آسیب ببینند و باز احتمال بیشتری وجود دارد که آنان برای رفع ناسازگاری پیش‌قدم شوند، به‌دنبال بهره‌گیری از منابع خارج از خانواده و متخصصین باشند. البته باید توجه داشت که مقاطع استحاله‌ای خانواده در چگونگی مواجهه زن و شوهرها با ناسازگاری‌های زناشویی پیش آمده نقش دارد. برای مثال تحقیق نشان داده است که در اوایل ازدواج میزان پیشگامی زن و شوهر برای حل ناسازگاری‌شان ۶۲٪ در مقابل ۳۲٪ است در حالی‌که در دوره آشنانه خالی این نسبت ۷۷٪ در برابر ۴۸٪ است (مکی و آبرین، ۱۹۹۸). متأسفانه سبک‌های مواجهه‌ای زوجین در مقابل ناسازگاری در طول دوران زندگی‌شان یکسان باقی می‌ماند، به‌جز در مواردی که با مداخله‌های مشاوره‌ای تغییراتی در آن ایجاد شود. براین اساس پیشنهاد می‌شود کمک مشاوره‌ای به زنان دچار ناسازگاری زناشویی در اولویت قرار گیرد.

داشتن یا نداشتن سابقه قبلی ازدواج نقش مهمی در ازدواج و انتخاب همسر دارد. شاید بسیاری از کسانی که ملاک اصلی ازدواج را نداشتن سابقه قبلی ازدواج برای همسر قرار می‌دهند از دلیل واقعی تصمیم خود بی‌اطلاع هستند. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که میزان سازگاری کلی بین زوجین برحسب داشتن یا نداشتن سابقه قبلی ازدواج متفاوت نیست. هرچند در مقایسه با ابعاد نه‌گانه سازگاری زناشویی ملاحظه شد که در ابعاد حل تعارض، تربیت فرزند و ارتباط با اقوام، بین زوجینی که

همسر، سابقه قبلی ازدواج داشته و زوجینی که فاقد چنین سابقه‌ای بودند، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میزان ناسازگاری در ابعاد یاد شده در بین زوجینی که حداقل یکی از آن‌ها سابقه ازدواج قبلی داشته بیشتر است. بر این اساس لازم است کسانی که قصد ازدواج با فردی دارند که سابقه قبلی ازدواج دارد و یا چنین ازدواجی را دارند در سه زمینه حل تعارض، تربیت فرزند و ارتباط با اقوام کمک مشاوره‌ای دریافت نمایند. البته باید توجه داشت که در بین زوجینی که حداقل یکی از همسران سابقه قبلی ازدواج داشتند، گروهی که علت فسخ ازدواج قبلی آنها مرگ همسر و گروهی که علت فسخ ازدواج قبلی آنها طلاق بوده را به‌طور جداگانه مورد بررسی و حمایت قرار داد.

آشنایی قبل از ازدواج در میزان رضایت زناشویی زوجین تأثیر دارد. نتایج تحقیق نشان داده، زوجین که قبل از ازدواج با یکدیگر آشنایی داشتند، هم در میزان سازگاری کلی زناشویی و هم در ابعاد موضوعات شخصیتی، ارتباط دوتایی، حل تعارض، مدیریت مالی، ارتباط با اقوام و مسائل مذهبی دارای سازگاری بالاتری بودند. ضمن اینکه میزان تفاهم با همسر نیز در بین آنها بیشتر بود. آشنایی قبلی با همسر و خانواده او ارتباط بین دو خانواده را تحکیم می‌بخشد؛ توان تحمل سختی‌های زندگی را برای زوجین بیشتر می‌کند؛ حمایت‌های اجتماعی را تقویت می‌کند؛ فرآیند سازگاری زناشویی را تسهیل می‌کند و سایر فوایدی که دارد می‌تواند به استحکام روابط زوجین نیرو بخشد. البته باید چنین آشنایی را با آشنایی‌های غیرقانونی و غیرشرعی که به آشنایی‌های خیابانی معروف است جدا ساخت. زیرا که آشنایی‌های خیابانی یک آشنایی غیرامن و غیراصیل بوده که عموماً به تعارض کشانیدن روابط خانواده‌های اصلی را به دنبال دارد.

بررسی وضعیت سازگاری زناشویی در بین گروه‌های مختلف جامعه مورد بررسی، نتایج قابل توجهی را به همراه داشت. میزان سازگاری زناشویی در بین زنان شاغل و زنان خانه‌دار یکسان است. گسترش گرایش‌های تساوی‌طلبی به زنان و مردان در دنیای امروزی، به تبع آن گرایش زنان به اشتغال در خارج از منزل برای افزایش رضایت از زندگی، این ضرورت را ایجاد می‌کند که نقش و تأثیر آن در خانواده مورد بررسی قرار گیرد. تحقیق حاضر نشان داد علی‌رغم نمره بالا در سازگاری زناشویی برای زنان خانه‌دار، این میزان از نظر آماری تفاوت معنی‌داری با زنان شاغل ندارد.

ملاک‌ها و شیوه انتخاب همسر همچنان موضوع مهم است. تحقیق حاضر نیز بر این امر تأکید دارد. درخصوص ملاک‌های انتخاب همسر ملاحظه شد افرادی که ملاک انتخاب همسر آن‌ها به ترتیب ایمان، اخلاق نیکو، ویژگی‌های شخصیتی و وضع خانواده بود، از رضایت زناشویی بیشتری بهره‌مند بودند. البته انتخاب همسر با ایمان و با خلق‌وخوی حسنه بهتر است، مشروط به این‌که افت در عملکرد مذهبی و اخلاقی نداشته باشند. از سویی دیگر افرادی که انتخاب آن‌ها بیش از احساس عاشقانه، عاقلانه بوده در عین حال چه خود، چه خانواده و چه دوستان در آشنایی با همسر به او کمک کرده باشند، میزان موفقیت و رضایت از زندگی‌شان بیشتر است.

در مجموع این‌که چه عواملی در سازگاری زوجین نقش دارد، موضوع پژوهش‌های متعددی بوده است. در این پژوهش برای کشف، شناسایی و بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زوجین از الگوی السون و همکاران، ۱۹۸۶؛ هلمن و همکاران، ۱۹۹۴ و برادبادی و فینچام، ۲۰۰۰ بهره گرفته شد. طبق این الگو عوامل مؤثر بر سازگاری زوجین بر دو دسته کلی: عوامل زمینه‌ای - فردی از قبیل: ویژگی‌های خانواده‌های اصلی، عوامل اجتماعی - فرهنگی، ویژگی‌های فردی و عوامل ارتباطی - دوجانبه‌ای از قبیل: همگنی و فرآیندهای بین فردی طبقه‌بندی شده‌اند. بیشتر تحقیقاتی که در زمینه بررسی عوامل مؤثر بر سازگاری زوجین انجام شده است تعدادی از این عوامل را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای مثال ناکونزی و راجرز (۱۹۹۵) بر کیفیت ازدواج والدین تأکید دارند و معتقدند که ناسازگاری والدین منجر به ناسازگاری زناشویی فرزندان آن‌ها می‌شود. فتحی‌آشتیانی و احمدی (۱۳۷۸) نحوه آشنایی زوجین با یکدیگر را به‌عنوان عامل مؤثر شناسایی کرده‌اند. نیولون (۲۰۰۰) ناسازگاری زناشویی را به‌عنوان اشتباه جوانی تلقی کرده و آن را مرتبط با سن ازدواج شناسایی و معرفی کرده است. طبقه اجتماعی (ناکونزی و راجرز، ۱۹۹۵)، نوع جامعه (جین، ۱۹۹۶)، افول ارزش‌ها و تهاجم فرهنگی (لاپوز، ۱۹۸۶)، سطح تحصیلات (ناکونزی و راجرز، ۱۹۹۵) طول مدت ازدواج و چگونگی ارتباط قبل از ازدواج، (فوورس و همکاران، ۱۹۹۶) از جمله سایر عوامل مورد تأکید محققان و پژوهشگران حوزه سازگاری زناشویی می‌باشند. در تحقیق حاضر بیش از شناسایی عوامل به بررسی نقش هر یک از عوامل در سازگاری و ناسازگاری زناشویی پرداخته شده، در بخشی از پژوهش که به بررسی سهم هر یک از مؤلفه‌های نه‌گانه سازگاری زوجین در سازگاری کلی پرداخته شد، ملاحظه شد که مؤلفه (عامل) ارتباط دوتایی با داشتن ۰/۹۲ ارتباط همبستگی با سازگاری زناشویی، به تنهایی و بیش از سایر مؤلفه‌ها به میزان ۰/۸۵، توان پیش‌بینی متغیر وابسته (سازگاری زناشویی) را دارد. این میزان برای موضوعات شخصیتی ۰/۷۹، توانایی حل تعارض ۰/۷۴، نحوه گذران اوقات فراغت ۰/۶۴، انجام وظایف والدینی ۰/۵۸، ارتباط با اقوام و دوستان ۰/۵۶، مدیریت مالی ۰/۵۵، جهت‌گیری مذهبی ۰/۴۹، روابط جنسی ۰/۴۴ بود. از سویی دیگر در بررسی رابطه متغیرهای دموگرافیک ملاحظه شد که تنها، عامل تفاوت سنی بین زن و شوهر و سن همسر در زمان ازدواج، هر یک به میزان ۰/۰۷ (با سطح معنی‌داری $P \leq 0/05$) با سازگاری زناشویی رابطه داشتند. بنابراین متغیرهای میزان سن، تعداد فرزندان، طول مدت ازدواج، تفاوت سنی، تفاوت تحصیل، تفاوت سطح اقتصادی، میزان تحصیلات با میزان سازگاری زناشویی ارتباط معنی‌داری (در سطح $P \leq 0/05$) نداشتند.

یادداشت‌ها

1. Evaluation & Nurturing Relationship Issues Communication and Happiness
2. Family Climate Scale
3. Dyadic Adjustment Scale

منابع

- قرآن کریم، سوره روم، آیه ۲۱.
- سلیمانین، علی‌اکبر و نوایی‌نژاد، شکوه (۱۳۷۳). بررسی تأثیر تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی بر نارضایتی‌زنانشویی، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- عامری، فریده (۱۳۸۱). بررسی تأثیر مداخلات خانواده‌درمانی راهبردی در اختلافات زنانشویی، رساله دکتری، چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس.
- فتحی‌آشتیانی، علی و احمدی، خدابخش (۱۳۷۸). بررسی عوامل مؤثر در ازدواج‌های موفق و ناموفق دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌ا.. (عج).
- مهدویان، فاطمه (۱۳۷۶). بررسی تأثیر آموزش و ارتباط بر رضایت‌مندی زنانشویی و سلامت روانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: انستیتو روانپزشکی.
- Bechtold, D. & Rebol, A. (1988). Cleveland Diocese evaluation for marriage, Cleveland: Diocese of Cleveland.
- Bradbury, Thomas N; Fincham, Frank D; Beach, Steven R. H. (2000). Research on the nature and Determinants of marital satisfaction. Journal of marriage & family Vol. 62 issue 4: 964-980.
- Coombs, Robert (1991). Marital status and personal well - Being: A literature Review, family Relations, 40 : 97 - 102.
- Cumming S, Mark and Watson Anne O'Reilly (1997). Fathers in family context: effects of marital Quality on child adjustment in the vole of the father in child development, edited by Michael E.Lamb. John Wiley and sons, New York.
- Demo, D. H. and Alan C.A (1996). Single hood Marriage and Remarriage: The effects of family structure and family relationships on mothers "well-Being" Journal of family issues 17:386-407.
- Douglass IV, Frazier M. Douglass, Robin (1995). The marital problems questionnaire (MPQ) a short screening instrument for marital therapy. Journal of family relations, Jul 95, vol.44 issue 3, p238.
- Fowers, B.J. & Olson D.H (1989). ENRICH martial inventory. A Discriminant validity and cross validation assessment. Journal of marital and family therapy, 15,65-79.
- Fowers, Blainej.; Monted Kelly H. & Olson David. H. (1996). Prediction of marriage success, journal of marital and family therapy. Vol. 22, No1, 103-111.
- Greef, A.P. (2000). Characteristics of families that function well. Journal of family issues, vol. 21, issues 8. P: 948-963.
- Holman, T.B.; Larson, J. H & Harmer, s. L. (1994). The development and predictive validity of a new premarital assessment instrument: The preparation for marriage questionnaire. J.Family Relations, 43, 46-52.
- Jain, M. (1996). A search for intimacy. India Today. pp. 98-105.
- Landis J. T. (1975). Personal adjustment marriage and family (6th ed) New York: karper & Row publishers.
- Lapuz. L.V. (1986). Philipino marriages in crisis, Quezon city: Newday pub.
- Larson, J. H & Holman, T. B. (1994). Premarital predictors of martial quality and stability. j. family relations. 43, 228-237.
- Larson, J. H & Holman, T.B. (1995). A review of comprehensive questionnaires used in premarital education and counseling. Jornal family relations. Jul 95, vol. .issue. 3
- Laswell, M.E & Laswell T.E (1982). Marriage and family. Washington. D.C: Health & Row publishers.

- Leven Son, R.; Carstensen, L. & Gottman, j. (1993). long term marriage, age, Gender and satisfaction. *J. Psychology and Aging*, 8, 301-311.
- Mackey, Richard A.; O' Brien, Bernard A. (1998) Marital conflict management: Gender and ethnic differences. *journal of Social work*, Vol. 43, issue 2, P128.
- Nakonezny, P. Shull. R & Rodgers (1995). The effect of no fault divorce law on the divorce rate across the 50 states and its relation to income, education, religiosity. *Journal of Marital and Family*, 57, 488.
- Niolon, Richard (2000). Communication style and problem solving, Retrieved (2002) from the world wide web: [http:// WWW. psycho. page. com](http://WWW.psycho.page.com).
- Nock, Steven L. (1995). A comparison of marriage and cohability Relationship. *Journal of family issues* 16: j anuary 95.
- Olson, David H. and Olson Amyk. (1997). Enrich canada, inc" *journal of family ministry*, vol. 11, No. 4, 28-53.
- Popenoe, David (1996). A world without fathers. *WQ spring* 96: 12-29.
- Silliman, B. (1998) patterns of adjustment, first three years. *Marriage enrichment & domestic violence information*, Retrieved March 2001 from the world wide web: <http://www.uwo.edu/ag/ces/family/Ben/marriage/stages/stagepatterns.htm>.
- Sinha S.P. & Mukerjee - N (1990). Marital adjustment and space orientation, *The journal of social psychology*. 130 (5) - 633-639.
- Wadsby, Marie (1998). Evaluation of the swedish version of the Enrich Marital Inventory. *Nord J psychiatry*, 52:379-388
- Waite, Linda J (1997). *Why marriage Matters. Strengthening marriage roundtable*. Washington. DC, 23 june 97.
- Williams, L.M. Jurich, J. & Denton, W. (1995). Predicting marital success after five years. *Journal of marital and family therapy*: 12-141-154.